

« فی جیدها حبل من مسد »

عنوان بحث : فی جیدها حبل: معنا و مصادیق

از بازگشت ضمیر «ها» به «امراه» معلوم می شود موضوعی که در این آیه شریفه مانند آیه ی قبل به آن پرداخته شده این نیست که ما آرزوها یا اعمال خود یک فرد (همسر ابولهب) را به تنهایی بیان کنیم -البته مسلم است که افعال هر فردی طوق گردن او می شود- بلکه این است که نسبت همسری و همراهی این زن با پلید یها و زشتکاری ابولهب چه جایگاهی برایش ایجاد کرده است .

در آموزه های دینی واژه ی «حبل» برای بیان مفاهیم مختلفی به کار رفته است ، مانند «حبل الله- ریسمان الهی»^۱ یا «حباله المودة- کمند محبت»^۲ و نیز « حبل من مسد- ریسمانی از لیف خرما» این استعمالات ، مصادیق مختلف «حبل» را نشان می دهد که شامل مفاهیم مادی و معنوی است.

شاید بتوان گفت مصداق «حباله المودة» یا «کمند تعلقات» در این آیه بیشترین نمود را دارد که اشاره به همان دلبستگی ها و تعلقات و تقیداتی است که رابطه همسری ایجاد می شود.

این کمند می تواند دوطرفه باشد ولی آنی که در گردن همسر ابولهب آویخته است همان کمند همسرش یعنی ابولهب است .

این حبل از جنبه های مختلف بار منفی دارد چون مسد (ریسمانی از شاخه ی درخت خرما)^۳ آزاردهنده است و بعضی گفته اند: «مسد ریسمانی است که با زبری لیف خرما و سوزش آتش و سنگینی آهن در گردنش، عذابش را زیاد میکند»^۴ این جنبه های منفی در واقع ظهور باطن خلیات و روحیات ابولهب است.

عنوان بحث : فی جیدها حبل من مسد: ازدواج ، طوق بندگی است

امام صادق علیه السلام در بیان حقیقت وجود زنان نسبت به مردان فرمودند: « إِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَانْظُرْ مَا تَتَقَلَّدُ ، ... همانا زن طوق است ؛ پس بنگر که چه طوقی به گردن می افکنی...»^۵ و این رابطه متقابل هست چنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: « ازدواج ، طوق بندگی است . بنا بر این ، هر کس از شما دختر خود را شوهر دهد، او را به بندگی داده است . پس هر یک از شما باید بنگرد که دختر عزیز خود را به بندگی چه کسی می دهد.»^۶

خاصیت طوق این است که فرد را محدود می کند و در بند می کشد و او را به هر راهی می کشاند.

طوق می تواند نقش مثبت یا منفی داشته باشد بدین ترتیب که هم می تواند در موضع سقوط فرد را نگه دارد و هم می تواند با یک لغزش ناگهانی موجب انحراف و سقوط شود.

بنابراین همسر (زن یا مرد) در تعیین جهت سیر انسان تأثیر دارد .و تعبیر «طوق» شدت تأثیر همسران را بر یکدیگر نشان می دهد که به راه یکدیگر می روند و از هم رنگ می پذیرند .

آخرت جز تحمل زحمت و مشقت و عذاب در آخرت از ناحیه او نصیبی ندارد.

در آیه قبل گفتیم حطب حقیقت ابولهب است که همسرش به دلیل موافقت با او در مسیر ضلالت آن را حمل می کند .

در این آیه نیز منظور از «حبل من مسد» ابولهب است که مانند طوقی بر گردن همسرش آویخته است .

طوقی که بخاطر داشتن حالت زبری و گزندگی از جمله عذابهایی است که همسرش احساس می کند .

همسر ابو لهب به خاطر همراهی و مشارکت با او در دنیا ، در آخرت جز تحمل زحمت و مشقت و عذاب در آخرت از ناحیه او نصیبی ندارد.

می خواهیم از تعبیر «فی جیدها حبل من مسد» برداشتی کلی کنیم مبنی بر اینکه در روابط بین همسران چنانچه مردان به راه زشتیها و پلیدیها می روند زنان نباید با آنها هماهنگ و همراه باشند بلکه باید مخالفت خودشان را در پیمودن این راه اظهار کنند که اگر چنین مخالفتی نداشته باشند و طریق شوهرانشان را بپذیرند ثمره ای جز آزار و رنج برداشت نمی کنند.

مردان در مواجهه با این سوره باید به این حقیقت بیندیشند که چگونه شرارتها ، سرمایه های وجود آنها را در دنیا و عالم آخرت که حیات واقعی انسان است تباه می کند.

همچنین مردان باید توجه کنند که با همراه کردن همسرانشان در مسیر شرارت و ضلالت نسبت به آنها خدمتی نمی کنند بلکه مزد این همراهی برای آنها همان هیمه و آتش سوزان جهنم («حطب» و «حبل من مسد») است.

زنان نیز در مواجهه با این سوره به این بیندیشند که اگر با همسرانشان در شرارتها مشارکت داشته باشد چه آثار و نتایجی برایشان به بار می آورد.

از طرفی دیگر این طوق می تواند طوقی باشد که انسان را از وادی خطرات عبور دهد و او را در مسیر حق ببرد چنانکه کسی که ازدواج می کند انسان را از لغزش جنسی مصون می دارد و موجب حفظ ایمان است همانطور که زنان و مردان مؤمن و صالح در کنار یکدیگر از عالیتترین نعمتها برخوردار هستند وجود خود آنها برای یکدیگر از عالیتترین مظاهر نعمتهای بهشت است.

ثمر و نتیجه ی ازدواج منحصر فرزندان و انتقال روحیات و صفات والدین به ایشان نیست بلکه ثمرات و نتایج دیگری دارد که چهره ملکوتی این ازدواج را نشان می دهد.

پی نوشت:

(۱) البشاشة حباله المودة. دیوان الامام علی، خفاجی، ج ۱، ص ۱۷

(۲) سوره ی ال عمران آیه ی ۱۰۳

(۳) مفردات راغب

(۴) ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۷، ص ۳۵۲

(۵) میزان الحکمه ، ج ۵، ح ۷۸۴۷

(۶) میزان الحکمه ، ج ۵، ح ۷۸۵۵

عنوان بحث : « نکات کلی »

وجود زن و مرد مکمل یکدیگر است به طوری که هر یک ، در ظهور ابعاد انسانیت ، برخی از ابعاد را بیشتر و پررنگ تر بروز میدهد و بعضی از ابعاد نیز کاملاً جنبه اختصاصی داشته ، وابسته به جنسیت است .

زن و مرد در کنار هم می توانند انسان واحدی باشند. عشق به وحدت تمام کثرتها و تفاوتها را در خود هضم می کند و با اینکه این تفاوتها و اختلافات وجود دارد از آنها یک حقیقت واحد می سازد و این معجزه توحید است که همه ی تفاوتها و نزاعها را در خود حل می کند.

اصولاً بقا و هستی با توحید ایجاد می شود که عناصر مختلف را با خواص متفاوت و متعارض با یکدیگر گرد هم در می آورد و یک سیستم حیات را می سازد.

معجزه توحید (یگانگی و وحدت) در هر مرتبه ای که به ظهور می رسد مرتبه ای عالی تر از حیات و زندگی را ظاهر می سازد.

در عالم ماده و در مرتبه ی جسمانی وجود انسان، دو سلول از مرد و زن با هم یک جنین و یک حقیقت را می سازند و اگر اینطور نباشد به زوال و نیستی سلولها منجر می شود.

در عوالم بالاتر و در مراتب لطیف تر وجود آدمی ، افراد به میزان بهره مندی از حقیقت توحید و گذشتن از منیت و استقلال خود می توانند از هستی و حیات برخوردار باشند.

البته عالیتزین مرتبه ی حقیقت توحید ، ذات حق جل و اعلی ست ، یعنی همان هستی و کمال مطلق .

با درک اسرار توحید شاید راحت تر بتوانیم از این منیتها و استقلال طلبیهای خود که منشأ نزاعها و راه شیطانی هستند بگذریم و به از خود گذشتنها و محو شدنهای روی بیاوریم .

سرّ کثرت و تفاوتها عبارت است از شرح و تفصیل توحید و معرفی آن در بسط وجود است - ابعاد مختلف حقیقت توحید در این کثرتها بیان می شود- و نیز ایجاد جاذبه و کشش است تا در فرایند قبض وجود همه ی کثرتها با درک تعارض هایی که با هم دارند جذب یکدیگر شده و در آن وحدت فانی شود.

در توجه به مضامین سوره ی مبارکه ی مسد دانستیم باطن زشتکاریها به کجا می رسد و قصه مردان و زنان در آخرت چیست .

اینکه وجود مرد و زن به حبل و ریسمان تعبیر شدند و آویخته برگردن یکدیگرند حکایت از شدت تأثیر میان زنان و مردان دارد که اینها چقدر در زندگی از هم متأثرند. «ازدواج» همان گونه که در ظهور مادی باعث تولد فرزند می شود در بعد معنوی خود نیز در نتیجه ی آمیزش صفات موجود، منجر به تعیین شکل حیات اخروی میگردد. بنابراین زن و مرد هر دو باید راز این وحدت را بفهمند و هر دو باید در این جهت پیش روند . اگر یکی یا هر دو این حقیقت را نفهمند و از استقلال طلبی و اختصاص طلبی دست نکشند در مسیر زندگی تا مرتبه ی

حیات جاودانه جز ضرر زدن به یکدیگر و تعارض و ضدیت نصیبی نخواهند داشت . این یگانگی و وحدت فقط در مذهب و مقام توحید اتفاق می افتد و زن و مرد به راز خلقت خود آگاه می شوند و در ازدواجهای میان مسلمانان و طرفداران دین توحید و الهی این حقیقت ظهور می کند. ازدواج زنان و مردان صالح در بهشت و برخورداری سرشار از نعمت و آسایش و لذت ظهور اخروی این اتحاد نورانی است. اختلافات خانوادگی معمولاً نتیجه ی عدم باورهای توحیدی و بی مبالاتی در انجام محرمات الهی است.

زن و مرد در بروز شیطننت ها نیز مانند ابولهب و همسرش مکمل یکدیگرند . در این مسیر نیز- مانند بروز ابعاد حیاتی و کمالی و هستی بخش- بعضی جنبه ها در مرد ظهور بیشتری دارد و بعضی جنبه ها در زن برجسته تر به ظهور برسد که در مجموع نفس واحده ای شیطانی را تشکیل می دهند.